فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، پیاپی ۹
صفحات ۴۰-۱۷

ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی
مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود

مهدی پورطاهری*، دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، تهران، ایران.
ناهیده محمدی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی،دانشگاه تربیت مدرس ،تهران، ایران.
عبدالرضارکن‌الدین افتخاری، استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۷/۲۳

چکیده

برای دستیابی به توسعه (پایدار) به‌عنوان هدف غایی برنامه‌ریزی، گام نخست بررسی و شناخت واقعی از وضع موجود و سطح برخورداری مناطق به‌عنوان مقدمه حصول به توسعه است. جهت شناخت وضع موجود نیز استفاده از شاخص‌ها و نماگرهای جامع که بتواند وضع موجود را به خوبی تحلیل کند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تحقیق حاضر ضمن سنجش میزان محرومیت روستاهای مورد مطالعه، در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که با کدام شاخص‌ها بهتر می‌توان سطح محرومیت را سنجید؟ به عبارتی، در ارزیابی و سنجش محرومیت، کدام گروه از شاخص‌های ذهنی و عینی از اهمیت بیشتری برخوردار است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد که به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات برای پاسخ به سؤالات و فرضیه‌های تحقیق از دو دسته پرسشنامه سرپرست خانوار و نخبگان استفاده شده است، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین میزان اهمیت شاخص‌های عینی و ذهنی، تفاوت معنادار وجود دارد و از دیدگاه صاحب‌نظران، میزان اهمیت شاخص‌های ذهنی در سنجش و ارزیابی محرومیت بیش از شاخص‌های عینی است. در نهایت با استفاده از روش TOPSIS روستاهای نمونه در محدوده مورد مطالعه به لحاظ میزان محرومیت رتبه-بندی و با روش تحلیل خوشه‌ای، در سه خوشه طبقه‌بندی و نتایج حاصل از خوشه‌بندی روستاها نیز به‌صورت نقشه‌های GIS نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: محرومیت روستا، شاخص‌های عینی، شاخص‌های ذهنی، شهرستان جوانرود، بخش مرکزی.

* تماس: ۰۹۱۲۲۸۱۹۷۲۳ Email: mahdit@modares.ac.ir

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

۱) مقدمه

فقر و محرومیت[1] در بیشتر کشورها یکی از مسائل و مشکلات مهم برای برنامه‌ریزان دولتی به‌شمار می‌آید. همچنین برخورد دولت‌ها با این مشکل و اینکه چه راهکارهایی برای حل یا کاهش آن اتخاذ کنند، از مسائل مطرح و مشکل آفرین برای آنان می‌باشد (پقه،۱۳۸۰: ۲۵۸). مقوله محرومیت و محرومیت‌زدایی در بطن برنامه‌ریزی منطقه‌ای قرار دارد. از جمله اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، رسیدن به تعادل منطقه‌ای است که لازمه‌ی دستیابی به این مهم، شناسایی مناطق محروم و عقب مانده می‌باشد (عسل‌فروش،۱۳۷۵: ۵۵). به طور کلی، شناسایی مناطق محروم به دلایلی با ابهام مواجه است از جمله اینکه، فقدان تعریف روشن و جامع از محرومیت و به طور خاص محرومیت روستایی سبب شده که در بسیاری از تحقیقات مفهوم فقر، محرومیت و توسعه نیافتگی معادل یکدیگر به کار گرفته شود؛ به همین دلیل شاخص‌های ارزیابی محرومیت روستایی و فرآیند ارزیابی آن نیز به درستی طراحی نگردد. از سوی دیگر، معمولاً تنها به شاخص‌های عینی محرومیت توجه شده و کمتر به شاخص‌های ذهنی پرداخته شده است.

در ایران، مطالعاتی در زمینه محرومیت‌زدایی و شناسایی مناطق محروم کشور پس از انقلاب، توسط سازمان برنامه و بودجه سابق و سایرمؤسسات و سازمان‌های مرتبط به عمل آمده که حاکی از این واقعیت است که این پژوهش‌ها بر تعریف جامع و کاملی از محرومیت متکی نبوده و هر یک محرومیت را در بعدی خاص و با استفاده از شاخص‌های متفاوت مورد ارزیابی قرار داده است. این عدم تمایز دقیق به بروز پاره‌ای آسیب‌ها در سطح کشور منجر شده است. فرآیند بروز این مشکلات رشد یابنده به این صورت رخ داده است که عدم تمایز قابل قبول بین مناطق محروم و غیرمحروم در ارتباط با توزیع امکانات و اعتبارات، سبب گردیده تا با شروع برنامه‌ها، مناطقی که دارای مزیت نسبی طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (چه در سطح کلان و چه در سطح خرد و نواحی روستایی) هستند، اعتبارات را جذب و به مرکز رشد تبدیل شده، در مسیر رشد سریع اقتصادی قرار گرفته گیرند. در عوض مناطقی که از مزیت‌های نسبی برخوردار نبوده‌اند و توان جذب اعتبارات را نداشته، به حاشیه رفته و نتوانسته‌اند در مسیر رشد و توسعه حرکت کنند. بازتاب فضایی تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در نواحی محدود برخوردار از منابع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به بروز عدم تعادل شدید بین این نواحی با نواحی در حاشیه منجر شده است. توسعه نامتوازن و نابرابری بین مناطق پیامدهایی چون مهاجرت گسترده، فقر و محرومیت بیشتر آن‌ها را به همراه داشته و دور باطلی را در این مناطق بین محرومیت، مهاجرت و فقر ایجاد نموده است.

[1] Deprivation

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

دلایلی چون تفاوت در سطح برخورداری وآشفتگی توزیع امکانات وخدمات، روند رو به افزایش مهاجرت از روستا به شهر و پیامدهای ناشی از آن، نقش و جایگاه روستا در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در تمامی سطوح، پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی (صادقی و همکاران،۱۳۹۳: ۱۳۰)، لزوم شناسایی مناطق و روستاهای محروم به منظور ارائه و تخصیص بهینه امکانات و خدمات، در جهت کاهش و یا رفع فقر و محرومیت و نابرابری‌های منطقه‌ای برای رسیدن به توسعه (پایدار) ضروری می‌سازد (تقوایی،۱۳۸۹: ۹۲-۹۳). ممکن است در یک نگاه بتوان گفت منطقه‌ای از منطقه دیگر برخوردارتر یا محروم‌تر است؛ اما اندازه‌گیری دقیق میزان برخورداری، نیاز به تکنیک‌های علمی شناخته شده و قابل قبولی دارد (ابراهیمی نورعلی،۱۳۷۵: ۲). ضمن اینکه محرومیت به شدت متأثر از زمان و مکان است، مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل دهنده آن با توجه به دوره زمانی و مکان متفاوت می‌باشد و برای سنجش محرومیت در سطوح ملی، منطقه-ای، شهری و روستایی روش‌های متفاوتی وجود دارد. در هر یک از این روش‌ها نیز شاخص‌های متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو لزوم طراحی شاخص‌ها و الگوی مناسب برای سنجش محرومیت در سطوح مختلف، امری اجتناب ناپذیر است (حیدری،۱۹:۱۳۸۹).

محرومیت روستایی به‌عنوان نوعی از محرومیت، دارای ماهیت و عوامل شکل دهنده‌ی خاص خود است. تعیین سطوح برخورداری و یا محرومیت نواحی روستایی، شاخص‌ها و نماگرهای خاص خود را می‌طلبد. در این پژوهش سعی شده است تا با ارائه تعریف و شاخص‌های مناسب از محرومیت، به تعیین میزان محرومیت در روستاهای مورد مطالعه پرداخته شود. جهت تحقق این امر از دو دسته شاخص‌های عینی و ذهنی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی/محیطی (با رویکرد توسعه پایدار) و در سطح منطقه‌ای (روستا) استفاده شده است. دو پرسش اساسی تحقیق بدین قرار بوده است: با کدام شاخص‌ها می‌توان محرومیت را در محدوده مورد مطالعه بهتر ارزیابی کرد؟ آیا بین نقاط روستایی محدوده مورد مطالعه به لحاظ میزان محرومیت، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲) مبانی نظری

محرومیت یکی از مفاهیم پیچیده است که تعاریف و تعابیر گوناگونی برای آن از سوی محققان مختلف با توجه به اهداف آنان ارائه شده و تعریفی از آن که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد؛ زیرا که محرومیت مقوله‌ای کیفی، به شدت نسبی و حتی اغلب اوقات تلقی مردم از آن ذهنی است (کلالی‌مقدم،۱۳۷۸: ۲۳). از سوی دیگر، ارتباط نزدیک مفهوم محرومیت با مفاهیمی مانند فقر، طرد اجتماعی، بی‌عدالتی و توسعه نیافتگی سبب شده است که بسیاری از محققان این مفاهیم را معادل هم بکار گیرند. با این وجود ارائه یک تعریف

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

واحد که مبنای تصمیم‌گیری برای تحقیق باشد، امری ضروری است؛ زیرا تعریف محرومیت تأثیر مستقیم بر روش‌های اندازه‌گیری و سیاست‌های توسعه‌ای معطوف به محرومیت‌زدایی خواهد داشت. استفاده از تعاریف روشن، محقق را قادر می‌سازد تا اثرات اقتصادی-اجتماعی و کالبدی را بر روی زندگی فرد و منطقه درک کند و تحقیق عمیق‌تری را ارائه دهد. تعاریف گوناگونی از سوی محققان و به‌ویژه برنامه‌ریزان منطقه ای با هدف شناسایی مناطق، افراد و گروه‌های محروم ارائه شده است که درجدول (۱) به تعدادی از این تعاریف اشاره شده است.

جدول شماره (۱): تعاریف محرومیت

منبع	تعاریف
بهزادنسب (۱۳۸۶)	محرومیت: دور ماندن و دسترسی نداشتن به امکاناتی که معمولاً باید دراختیار فرد باشد
کامبز و همکاران[1] (۱۹۹۵)	اصطلاح محرومیت دلالت بر عدم وجود صفات اساسی و پسندیده مورد احترام جامعه، فقدان دارایی ها و نیز عدم دسترسی به فرصتهایی دارد که حداقل آن مورد پذیرش جامعه است
کمیته فرعی توسعه روستایی[2] (۲۰۰۸)	محرویت به نیازهای برآورده نشده و مشکلات ایجاد شده به وسیله کمبود منابع و فرصت ها (نه فقط پول) اشاره دارد.
دولت ولزی[3] (۲۰۱۱)	محرومیت به معنی فقدان فرصت ها و منابع برای آنچه که انتظار داریم که در جامعه به آن دسترسی داشته باشیم، برای مثال، غذا، بهداشت، امنیت ازجرایم، محیط امن و پاک است
ولز[4] (۲۰۱۰)	محرومیت به معنی فقدان ویژگی ها و خصلت های ضروری و مطلوب، مالکیت ها و فرصت هایی است که حداقل آن توسط جامعه مورد پذیرش است.
کلالی‌مقدم (۱۳۷۸) و عسل فروش رضاییه (۱۳۷۵)	محرومیت می تواند به عنوان مجموعه ای بر تمام نارسایی های حاصل از شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی ارزیابی گردد که طبعاً منجر به پدید آمدن شرایط بحرانی برای یک ناحیه و منطقه می گردد.
ابوخارمه و ابوالسونداز[5] (۲۰۰۹)	محرومیت به عنوان «وضعیت آسیب های اجتماعی و مادی» که بر روی فرد یا خانواده و یا یک جامعه اثر دارد تعریف می شود

یکی از تعاریفی که شاید بتوان گفت جامع‌ترین و در عین حال منعطف‌ترین تعریف در زمینه محرومیت است که در زمان ها و مکان‌های مختلف کاربرد دارد، تعریفی است که جامعه شناس انگلیسی، پیتر تاونسند (۱۹۸۷) در مقاله خود[6] از محرومیت ارائه داده است. اکثر تحقیقات و همچنین تعاریف ارائه شده از محرومیت محرومیت نیز به نوعی بر پایه آن ارائه شده است. از نظر تاونسند، *"مردمی را می توان محروم دانست که دسترسی کافی به غذا، لباس، امکانات مسکن، سوخت، محیط زیست مطلوب، آموزش و پرورش، کار و شرایط*

[1] Coombes et al.
[2] Rural Development Sub-committee
[3] Governmen Welsh
[4] Walsh
[5] Abu-Kharmeh &Abu-Al Sondos
[6] Townsend, P. (1987). Deprivation. Journal of Social Policy, 16(2), 125–145

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

اجتماعی، فعالیت‌ها و امکانات معمول و یا حداقل مورد تأیید جامعه‌ای که به آن تعلق دارند را، نداشته باشند" (Townsend, 1987: 131-140).

با توجه به تعاریف مذکور و نیز با عنایت به مطالعات انجام شده در زمینه محرومیت، اصول و ویژگی های کلیدی محرومیت را می‌توان بدین شرح بیان نمود: ۱- مفهوم محرومیت بر روی ضروریات، هنجارها و استانداردهای زندگی تمرکز دارد. به‌ویژه اینکه تا چه حد مردم فاقد اقلام خاص مانند لباس، مسکن و غذا هستند؛ ۲-محرومیت مفهومی چندوجهی است و در هر جامعه‌ای اشکال و یا دامنه‌های مختلفی دارد، مانند محرومیت از درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و محیط زیست؛ ۳- محرومیت فراتر از جنبه‌های مادی و در برگیرنده ابعاد اقتصادی (مادی)، اجتماعی (رابطه‌ای) و کالبدی/محیطی است؛ ۴- محرومیت مفهومی نسبی است نه مطلق، زیرا بر پایه هنجارها و استانداردهای پذیرفته شده در هر جامعه سنجیده می‌شود که این هنجارها از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و در طول زمان نیز تغییر می‌پذیرد (Bailey et al,2003: 6)؛ ۵- سطوح مورد سنجش برای تعیین محرومیت، در سه سطح فردی/خانوار، گروه (جوانان، افراد بیکار، معلولین و سالمندان) و سازمانی (منطقه‌ای) و یا اغلب در دو سطح فردی/خانوار و منطقه‌ای قابل اندازه‌گیری است. بدیهی است شاخص‌ها و نماگرهای تبیین کننده هر یک از سطوح از تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند (Bailey et al,2003:p.23).

همگام با تعاریف ارائه شده و نیز اصول تبیین کننده محرومیت می‌توان دقیق‌تر به تعریف محرومیت روستایی پرداخت. اگر چه به نظر می‌رسد توجه کمی به شناسایی و بررسی ویژگی‌های متمایز محرومیت و فقر روستایی شده و همچنین راجع به چگونگی اندازه‌گیری واقعی آن‌ها نیز توجه کمی صورت گرفته است. محرومیت روستا به دلیل ماهیت و ویژگی‌های مناطق روستایی بسیار متفاوت از محرومیت شهری است. شاو[1] به نقل از آستانا[2] و همکاران، برخی از ویژگی‌های کلیدی محرومیت به‌ویژه در مناطق روستایی را شناسایی و تعریف کرده که محققان آن‌ها را به عنوان عوامل اصلی تقویت کننده محرومیت حلزونی یا مارپیچی (روستایی) دانسته‌اند. این نوع محرومیت به سه طبقه: محرومیت از منابع برای نمونه درآمد کم و فقدان مسکن کافی و مناسب، محرومیت از فرصت‌ها شامل عدم دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، تفریحی و فراغتی و نیز محرومیت از تحرک یا جابجایی برای نمونه فقدان نظام حمل‌ونقل مناسب تقسیم شده است.

ویژگی اول و دوم بین نقاط شهری و روستایی مشترک است و ویژگی سوم بیشتر خاص مناطق روستایی است. آستانا و همکاران، همچنین اشاره می‌کنند که هر مطالعه در زمینه محرومیت روستایی نیازمند اندازه-

[1] Shaw
[2] Asthana

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

گیری هر دو بعد عینی و ذهنی (درک و تجربه افراد) در مناطق روستایی دارد و در نتیجه، بسیاری از شاخص‌های محرومیت برای شناسایی و تعریف نیازها و مسائل خاص مناطق روستایی مناسب نیستند. به عنوان مثال حمل‌ونقل یکی از اقلام ضروری در مناطق روستایی است؛ در حالی که در مناطق شهری یک کالای غیر ضروری و لوکس است (Local Government Data Unit - Wales ;2012:8; Haase & walsh; 2007:14). با توجه به مطالعات انجام شده برخی از ویژگی‌های محرومیت روستایی و شهری در جدول (۲) بیان شده است.

جدول شماره (۲): مقایسه ویژگی‌های محرومیت شهری و روستایی

ویژگی‌های محرومیت روستایی	ویژگی‌های محرومیت شهری
• تراکم و چگالی پایین • توزیع و پراکندگی گسترده (محرومیت روستایی به صورت فضایی پراکنده است). • سطح متوسط پایینی از محرومیت یا نیاز ها • درون طیف گسترده‌تری از تفاوت‌های درآمدی (ثروت) قرار گرفته‌اند • مناطق روستایی اغلب وابسته به پیرامون‌اند و بنابراین جمعیت روستایی به طور کلی نیازمند سفر برای دسترسی به طیف وسیعی از خدمات دارد.	• تراکم بالا • به شدت متمرکز • سطح متوسط بالایی از محرومیت و نیاز • درون طیف محدودتری از محرومیت مادی (درآمدی) قرار گرفته‌اند. • دسترسی به حمل‌ونقل و مالکیت خودرو در شهر ممکن است یک کالای تجملی تلقی گردد.

منبع: Hunt,2007:18

به وضوح در سطوح و انواع محرومیت در مناطق روستایی و شهری تفاوت وجود دارد. این به نوبه خود سؤالاتی مانند اینکه: چه شاخص‌ها و نماگرهایی برای اندازه‌گیری انواع محرومیت باید مورد استفاده قرار گیرد؟ و آیا باید نماگرهای متفاوتی برای اندازه‌گیری محرومیت در مناطق روستایی و شهری استفاده شود؟ (Haase & walsh, 2007:12) را مطرح می‌سازد. با توجه به مطالعات متعددی که تاکنون صورت گرفته است، در مورد زندگی روستایی واضح است که شاخص‌های شهری برای نشان دادن و منعکس کردن میزان و درجه محرومیت روستایی با توجه به ویژگی‌های محرومیت روستایی، با شکست مواجه خواهد شد. به نظر می‌رسد که ممکن است لازم باشد به محرومیت روستا به طور مجزا از محرومیت شهری پرداخته شود(Bryden et al., 2005) .محرومیت به‌ویژه محرومیت روستایی دارای ابعاد چندگانه متعددی می‌باشد:

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

الف- محرومیت اقتصادی[1]: این شکل از محرومیت آشکارترین بعد محسوب می‌شود که در سطح درآمد افراد و خانوارها عمل می‌کند و محرومیت از دسترسی به غذا، سرپناه، خدمات، آموزش و سلامت را شامل می شود.

ب-محرومیت اجتماعی[2]: به روابط اشاره دارد و بیانگر شرایط افراد یا گروه از طریق بهره‌مندی آن‌ها از روابط، شغل، حقوق و قوانین و مسئولیت‌ها و فرصت‌ها می باشد. این بعد از محرومیت به انسجام و همبستگی فرد با جامعه یا درون گروهی توجه دارد. همچنین در بعد اجتماعی احساس بهتر بودن، کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع مورد توجه قرار می‌گیرد.

ج-محرومیت محیطی و کالبدی[3]: این بعد از محرومیت به وضوح در سطح روستا و یا منطقه قابل مشاهده است و به محیط فیزیکی و زیست افراد اشاره دارد و شامل امکانات و خدمات زیربنایی، کیفیت و خدمات مسکن و محیط زیست است.

د-محرومیت چند وجهی[4]: این نوع از محرومیت یک شکل مجزا و جداگانه محرومیت نیست بلکه به وضوح ترکیب وزن‌دار از اشکال خاص محرومیت می‌باشد که مستقیماً قابل اندازه‌گیری نیست (Noble et al,2009: 285). تاونسند، محرومیت چند بعدی را به‌عنوان مجموع و یا ترکیب محرومیت‌های مجزا می‌داند. این دیدگاه وجود دارد که محرومیت چندوجهی از ترکیب دامنه‌های جداگانه محرومیت ساخته شده است. دامنه‌های محرومیت شامل درآمد، اشتغال، آموزش و پرورش، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و دسترسی به خدمات که منعکس کننده جنبه‌های مختلف محرومیت است، می‌باشد. هر دامنه از تعدادی نماگر تشکیل شده است که مفهوم محرومیت را به‌طور جامع و امکان‌پذیر پوشش می‌دهد. هر دامنه با توجه به اهمیت آن، دارای وزن خاصی است که مجموع اوزان ۱۰۰ خواهد بود و از ترکیب محرومیت‌های مجزا، شاخص محرومیت چندوجهی به‌دست خواهد آمد (Abu-Kharmeh &Abu-Al Sondos,2009: 39-41).

همان طور که اشاره شد، محرومیت شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی/محیطی است؛ بنابراین یکی از مشخصات اصلی و بنیادی محرومیت چند بعدی بودن آن است که بر این امر، بین محققان و متخصصان توافق وجود دارد. ابعاد محرومیت در سطح کلان شامل دو بعد عینی و ذهنی است. به عبارتی، شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی/ محیطی در سطوح مختلف فرد/خانواده، گروه و منطقه می‌تواند بر حسب دو بعد اصلی یعنی بعد ذهنی و عینی ارزیابی شود.

[1] Economy Deprivation
[2] Social Deprivation
[3] Environmental / Physica deprivation
[4] Multiple deprivation

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

آنچه مسلم است، آن است که نیاز توأم به هر دو دسته از شاخص‌های ذهنی و عینی برای ارزیابی و سنجش محرومیت امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بدین معنا که علاوه بر اندازه‌گیری شاخص‌ها به صورت مشخص و عینی، می‌باید ذهنیت و نوع نگاه افراد به این شاخص‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. شاخص‌های ذهنی بیشتر بر نگرش‌ها و شاخص‌های عینی بیشتر بر واقعیت‌ها تأکید دارد. ثابت شده است که شرایط عینی (واقعی) مستقیماً روی ادراکات ذهنی تأثیر می‌گذارند. به‌نحوی که اگر یک نفر در یک جامعه کمتر توسعه یافته، سطح پایین‌تری از استانداردها را استفاده کند و انتظارات و توقعات پایین‌تری داشته باشد، ممکن است قضاوتش از رضایت‌مندی بالاتر از افرادی باشد که در یک جامعه مرفه زندگی می‌کنند و از سطح بالاتری از استانداردهای زندگی برخوردار هستند، در حالی که شاخص‌های عینی، اختلافات معنی‌داری را میان مکان‌ها آشکار می‌کند، ادراکات ذهنی و رضایت‌مندی‌ها میان ساکنان می‌تواند یکسان و برابر باشد (فتاحی،۱۳۸۹ :۴۹)؛ بنابراین الگوهای شاخص‌های عینی محرومیت ممکن است متفاوت از ادراکات ذهنی باشد، در حالی که پراکندگی ادراکات ذهنی یا رضایت‌مندی از میان یک جمعیت، حاکی از نابرابری اجتماعی است.

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش از دو شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (واقعی و مجازی) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است؛ به طوری که در زمینه ادبیات و مبانی‌نظری تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌ها در محدوده مورد مطالعه جهت پاسخ به سؤالات و فرضیات تحقیق، علاوه بر روش کتابخانه‌ای از روش میدانی و تکمیل پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه‌های تحقیق در دو سطح نخبگان (شامل صاحب‌نظران، شوراها و دهیاران) و سرپرست خانوارهای روستایی تهیه و تکمیل گردید. پرسشنامه اول به منظور امتیازدهی به شاخص‌های ذهنی و عینی طراحی شده است که در دو دسته شاخص‌های عینی و ذهنی و سه بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی طراحی شد و در اختیار پاسخ گویان قرار گرفت. با توجه به پرسشنامه اول و شاخص ها و نماگرهای مطرح شده در آن، پرسشنامه دوم نیز به منظور شناسایی تعداد خانوارهای محروم در هر روستا و رتبه‌بندی روستاها بر اساس میزان محرومیت آن در دو دسته سؤالات باز و بسته (در قالب ۳ طیف گزینه‌ای) طراحی شد. در کدگذاری پرسشنامه، گزینه‌های نامناسب و کم، دارای پایین‌ترین امتیاز و گزینه‌های زیاد و مناسب، دارای بالاترین امتیاز بوده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و پرسشنامه‌ها و کدگذاری آن‌ها، در نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون‌های آماری به آزمون فرضیات پرداخته شده است. همچنین با استفاده از روش وزن‌دهی جمع رتبه‌ای، اوزان نماگرهای مورد استفاده در تحقیق مشخص گردید

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

و در نهایت با استفاده از روش TOPSIS به رتبه‌بندی روستاها بر اساس میزان و درجه محرومیت پرداخته شد. با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، روستاها در سه خوشه طبقه‌بندی و نتایج حاصل از طبقه‌بندی روستاها نیز به صورت نقشه های GIS نمایش داده شده است.

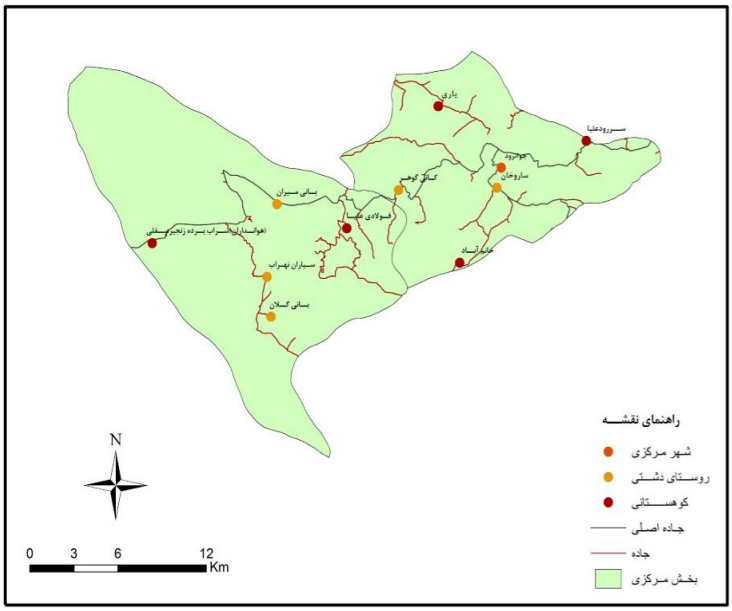
تحقیق حاضر دارای دو جامعه آماری است. جامعه آماری اول در این پژوهش متخصصان و نخبگان و نیز شورا و دهیاران روستاهای نمونه جهت تکمیل پرسشنامه امتیازدهی به نماگرها بوده است که به طور تصادفی برای تعدادی از اساتید مرتبط در سطح دانشگاه‌ها پرسشنامه ارسال شد و در هر روستای نمونه نیز یک نفر از اعضای شورا به طور تصادفی جهت تکمیل پرسشنامه انتخاب گردید که مجموعاً ۲۴ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری شد.

جامعه آماری دوم پژوهش، روستاهای بخش مرکزی شهرستان جوانرود بوده است که طبق سرشماری ۱۳۹۰ شامل دو دهستان پلنگانه (۲۷ آبادی) و بازان (۳۱ آبادی) و مجموع ۵۸ آبادی دارای سکنه بوده که به صورت کوهستانی /کوهپایه‌ای و دشتی استقرار یافته‌اند. جمعیت کل این بخش ۱۰۷۶۵ نفر معادل ۲۷۲۳ خانوار می‌باشد. به منظور انتخاب روستاهای نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده گردید. به این صورت که ابتدا روستاهای بالای ۲۰ خانوار به جهت دارا بودن آستانه جمعیتی در جهت دریافت امکانات وخدمات، انتخاب گردیده که شامل ۳۳ روستا بودند. این روستاها شامل دو گروه روستاهای دشتی و کوهستانی بوده که تعداد روستاهای دشتی نیز ۵ آبادی بوده است. از بین روستاهای کوهستانی نیز با توجه به فاصله از شهر مرکزی، ۵ آبادی انتخاب شد. در انتخاب روستاهای نمونه سعی گردید تا در حد امکان توزیع نمونه به گونه‌ای باشد که کل محدوده مورد مطالعه را پوشش دهد و فاصله از شهر نیز به گونه‌ای باشد که روستاهای با فاصله نزدیک، متوسط و دور به شهر مرکزی را در برگیرد (شکل ۱). مشخصات روستاهای مورد مطالعه در جدول ۳ بیان شده است. تعیین حجم نمونه با بهره‌گیری از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۰/۵ صورت گرفته است. حجم نمونه برآورده شده از این روش، ۱۸۸ پرسشنامه بود که جهت اطمینان بیشتر ۱۹۰ پرسشنامه تکمیل گردید. در هر روستای نمونه با توجه به نسبت تعداد خانوار در آن روستا، بین ۱۵ تا ۳۰ خانوار به صورت تصادفی جهت تکمیل پرسشنامه انتخاب گردید.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۳): ویژگی روستاهای نمونه

روستا	جمعیت (نفر)	خانوار	موقعیت	فاصله تا مرکز شهر (کیلومتر)	تعداد خانوار نمونه
ساروخان	۱۵۰	۳۲	دشتی	۳	۱۵
کانی گوهر	۱۲۱	۲۸	دشتی	۸،۵	۱۵
بانی میران	۱۵۱	۳۳	دشتی	۱۸	۱۵
سیاران نهراب	۱۵۶	۳۸	دشتی	۳۷	۱۷
بانی گلان	۸۷	۲۲	دشتی	۴۰	۱۵
سررود علیا	۲۹۷	۷۱	کوهستانی، دره ای، تپه ای	۵	۲۷
یاری	۴۱۷	۱۰۱	کوهستانی، دره ای، تپه ای	۸	۳۰
فولادی علیا	۱۱۸	۲۶	کوهستانی، دره ای، تپه ای	۱۶	۱۵
سراب برده زنجیره سفلی	۱۴۷	۳۵	کوهستانی، دره ای، تپه ای	۳۵	۱۷
خانم آباد	۲۷۱	۶۶	کوهستانی، دره ای، تپه ای	۱۲	۲۴
جمع	۱۹۱۵	۴۵۲	-	-	۱۹۰



شکل شماره (۱): موقعیت روستاهای مورد مطالعه

با توجه به تعریف محرومیت، ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای مورد مطالعه و همچنین مبانی نظری تحقیق و نیز با توجه به داده‌ها و اطلاعات موجود و در دسترس، ابعاد، شاخص‌ها و نماگرهای استفاده شده در این تحقیق جهت سنجش میزان محرومیت در روستاهای نمونه به شرح جدول شماره ۴ انتخاب شده است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

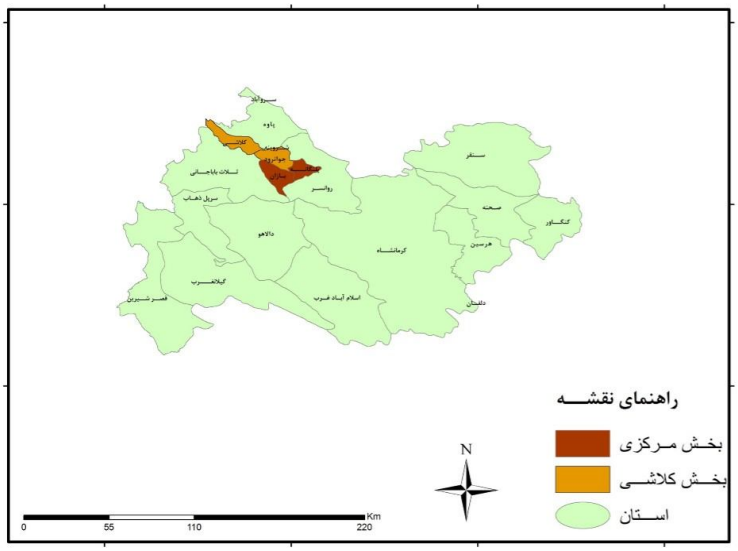
جدول شماره (۴):شاخص ها و نماگرهای استفاده شده در تحقیق

ابعاد	شاخص	نماگر
اقتصادی	درآمد و مالکیت	قابلیت دسترسی به امکانات و لوازم مسکن قابلیت دسترسی به وسیله نقلیه شخصی سرانه درآمد ماهیانه خانوار سرانه میزان پس انداز خانواردر طول سال معکوس سرانه بدهی خانواردر طول سال معکوس بارتکفل
	هزینه	سرانه میزان مصرف گوشت سفید به کیلوگرم در طول ماه سرانه میزان مصرف گوشت قرمز در طول ماه سرانه میزان مصرف میوه و سبزیجات در طول هفته سرانه میزان هزینه خرید لباس در طول سال سرانه میزان هزینه برای انجام مسافرت در طول سال سرانه میزان مبلغ پرداختی فیش گاز سرانه میزان مبلغ پرداختی فیش آب سرانه میزان مبلغ پرداختی فیش برق سرانه میزان مبلغ پرداختی فیش تلفن ثابت و همراه سرانه میزان هزینه های درمانی در طول سال سطح میزان رضایت از درآمد و هزینه[1]
	اشتغال	معکوس نرخ بیکاری احساس امنیت شغلی میزان رضایت شغلی
اجتماعی	فعالیت ها و امور اجتماعی	میزان مشارکت در فعالیت های اجتماعی و عمرانی روستا کیفیت مشارکت کیفیت روابط اجتماعی میزان روابط اجتماعی
	اوقات فراغت	سطح رضایت از امکانات تفریحی (فضای سبز، کتابخانه، ...)
	بهداشت ودرمان	معکوس متوسط فاصله تا اولین مرکز درمانی درصد خانوارهای تحت پوشش بیمه درمانی کیفیت امکانات بهداشتی و درمانی
	آموزش و پرورش	درصد باسوادی میزان کیفیت آموزش و پرورش (مهارت معلمان و وضعیت فیزیکی فضاهای آموزشی). معکوس متوسط فاصله دسترسی به فضاهای آموزشی(دبستان، راهنمایی، دبیرستان)
	احساس محرومیت و احساس خوشبختی	معکوس میزان احساس محرومیت میزان احساس خوشبختی
کالبدی/محیطی	مسکن	درصد مالکیت مسکن معکوس متوسط عمر واحد مسکونی متوسط مساحت واحد مسکونی معکوس متوسط تراکم خانوار در واحد مسکونی معکوس متوسط بعد خانوار متوسط تعداد اتاق برای هر خانوار میزان قابلیت دسترسی به خدمات در واحد مسکونی(حمام، سرویس بهداشتی، گاز لوله کشی) میزان دوام (مصالح به کار رفته) واحد مسکونی سطح کیفیت مسکن سطح رضایت از مسکن
	محیط زیست مطلوب	سطح رضایت از کیفیت محیط زیست
	زیر ساخت‌ها، تاسیسات و تجهیزات	شاخص مرکزیت خدمات عمومی میزان رضایت از امکانات و خدمات عمومی

[1] نماگرهای ذهنی با علامت ▪ نشان داده شده اند.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

شهرستان جوانرود با مساحت ۷۶۵ کیلومتر مربع یکی از شهرستان‌های استان کرمانشاه می‌باشد که در شمال غربی این استان، در شرق حوضه آبریز لیله بین طول شرقی ۵۵، ۴۵ تا ۴۶،۳۴و عرض شمالی۳۹، ۳۴ تا ۳۵،۰۷ ، در ادامه رشته کوه زاگرس بین کوه‌های شاهو و بنی‌گز قرار گرفته است. این شهرستان از سمت شمال به شهرستان پاوه، از سمت جنوب و جنوب غربی به شهرستان ثلاث باباجانی، از شرق به شهرستان روانسر و از سمت غرب به کشور عراق محدود گردیده است (کریمی،۱۳۹۱: ۳۳). بخش مرکزی شهرستان جوانرود با مساحتی حدود ۳۴۳ کیلومتر منطقه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد که شامل دو دهستان پلنگانه و بازان و دارای ۷۸ آبادی است که از این تعداد، ۵۸ آبادی دارای سکنه دائم و تعداد ۲۰ آبادی آن خالی از سکنه می‌باشد. همچنین از این تعداد، ۳۳ روستا بالای ۲۰ خانوار بوده است. شکل شماره ۲ موقعیت بخش مرکزی را در شهرستان و استان مشخص کرده است.



شکل شماره (۲) :نقشه موقعیت بخش مرکزی در شهرستان جوانرود از توابع استان کرمانشاه

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۸۵، ۶۲۷۹۷ نفر بوده که ۴۳۴۹۲ نفر یعنی ۶۹/۳ درصد ساکن شهر و بقیه ساکن روستاها بوده‌اند. با توجه به اینکه تنها نقطه شهری شهرستان، شهر جوانرود می‌باشد، ۷۰٪ جمعیت شهرستان در شهر جوانرود ساکن هستند. در سال ۱۳۹۰ از مجموع ۷۱۲۳۵ نفر جمعیت این شهرستان، ۵۱۴۸۳ نفر معادل ۷۲ درصد از جمعیت شهرستان در شهر و بقیه ساکن روستا می‌باشند (جدول ۵). افزایش جمعیت شهرنشینی به نوعی بیانگر جابجایی جمعیت نقاط روستایی این ناحیه به شهر جوانرود می‌باشد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۵):جمعیت شهرستان جوانرود در دوره‌های سرشماری ۹۰ و ۸۵

بخش	منطقه	سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۹۰	
		تعداد خانوار	جمعیت به نفر	تعداد خانوار	جمعیت به نفر
مرکزی	دهستان پلنگانه	۹۹۶	۴۷۰۶	۱۵۲۵	۵۹۲۹
	دهستان بازان	۱۱۱۶	۵۲۵۷	۱۱۹۸	۴۸۳۶
کلاشی	دهستان شروینه	۱۰۵۵	۴۸۹۷	۱۱۱۴	۴۶۴۹
	دهستان کلاشی	۸۷۶	۴۴۴۵	۹۷۴	۴۲۹۳
کل	کل جمعیت روستایی	۴۰۴۳	۱۹۳۰۵	۴۸۱۱	۱۹۷۰۷
	کل جمعیت شهر ی	۹۵۹۸	۴۳۴۹۲	۱۳۰۱۷	۵۱۴۸۳
	کل جمعیت شهرستان	۱۳۶۴۱	۶۲۷۹۷	۱۷۸۳۰	۷۱۲۳۵

منبع:مرکز آمار ایران،۱۳۸۵.

به لحاظ ویژگی‌های اقتصادی، نرخ اشتغال، بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی (نسبت تعداد جمعیت فعال اقتصادی (شاغل و بیکار) به جمعیت ده سال و بیشتر) از شاخص‌های عمده در سنجش وضعیت اقتصادی در یک ناحیه جغرافیایی به شمار می‌آید که وضعیت شهرستان در زمینه این نماگرها به شرح جدول ۶ بوده است. همچنین اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد که بالا بودن نرخ بیکاری در این شهرستان به‌ویژه در نقاط روستایی (۷۸/۸ درصد در بخش کلاشی و ۵۴/۴ درصد در بخش مرکزی) بیانگر وضعیت نابسامان این شهرستان از لحاظ اقتصادی است؛ این در حالی است که عامل اقتصادی یکی از عوامل مهم در مهاجرت‌های روستایی می‌باشد و می‌تواند پیامدهایی چون کاهش جمعیت روستاها و یا خالی شدن روستاها از سکنه، کاهش خدمات‌رسانی و محرومیت بیشتر نقاط روستایی را به همراه داشته باشد (مهندسین مشاور تدبیر شهر،۱۳۸۹: ۶۹).

جدول شماره (۶): نرخ مشارکت اقتصادی، اشتغال و بیکاری در شهرستان جوانرود (۱۳۸۵)

شرح	جمعیت ده ساله و بیشتر	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار	نرخ مشارکت اقتصادی	نرخ اشتغال	نرخ بیکاری
شهر جوانرود	۳۶۰۸۸	۱۲۳۳۶	۷۱۷۰	۵۱۶۶	۳۴/۲	۵۸/۲	۴۱/۸
بخش مرکزی	۸۲۸۶	۲۹۸۸	۱۲۱۱	۱۷۷۷	۳۶	۴۰/۵	۵۹/۴
بخش کلاشی	۷۳۷۶	۲۰۰۴	۴۲۳	۱۵۸۱	۲۷/۱	۲۱/۱	۷۸/۸
شهرستان جوانرود	۵۱۸۵۶	۱۷۳۹۱	۸۸۲۵	۸۵۶۶	۳۳/۵	۵۰/۷	۴۹/۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

به لحاظ دسترسی به امکانات و خدمات نیز طبق آمار سال ۱۳۹۰، میزان دسترسی روستاهای بالای ۲۰ خانوار در بخش مرکزی شهرستان (با توجه به آستانه جمعیتی خدمات) به شرح جدول ۷ می‌باشد که ارقام

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

گویای کمبود دسترسی روستاها در بیشتر زمینه‌ها همچون خدمات اداری (پاسگاه نیروی انتظامی و بانک)، بازرگانی و خدماتی (نانوایی، تعاونی و فروشگاه)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (دسترسی به اینترنت، مجله و روزنامه) و امکانات بهداشت محیط (سیستم جمع‌آوری دفن زباله) می‌باشد.

جدول شماره (۷): درصد روستاهای (بالای ۲۰ خانوار) دارای دسترسی به امکانات و خدمات عمومی (بخش مرکزی)

امکانات و تجهیزات	روستاهای دارای دسترسی	امکانات و خدمات	روستاهای دارای دسترسی	امکانات و خدمات	روستاهای دارای دسترسی
برق	٪۱۰۰	زمین ورزشی	٪۱۲	بانک	٪۰
گاز لوله کشی	٪۰	سالن ورزشی	٪۰	صندوق و دفتر پست	٪۶
آب لوله کشی	٪۸۷	پاسگاه نیروی انتظامی	٪۰	دسترسی به مجله و روزنامه	٪۰
حمام عمومی	٪۰	شورای اسلامی	٪۱۰۰	غسالخانه	٪۴۸
دسترسی به نقلیه عمومی	٪۷۲	سیستم جمع آوری دفن زباله	٪۳	تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی و غیرکشاورزی	٪۰
دسترسی به شبکه اینترنت	٪۳	مسجد	٪۱۰۰	دفتر مخابرات	٪۲۴
فن آوری اطلاعات و ارتباطات	٪۰	خدمات کشاورزی و مروج کشاورزی	٪۳	بقالی	٪۶۳
شورای حل اختلاف	٪۶	دهیار	٪۶۹	نانوایی	٪۶
شرکت تعاونی روستایی	٪۱۸	دامپزشک	٪۰	گوشت فروشی	٪۱۲

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

۴) یافته‌های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل فرضیه اول از دو آزمون یومن -ویتنی و T برای دو گروه مستقل استفاده شده است. بر اساس آزمون t، مقادیر میانگین به‌دست آمده برای شاخص‌های ذهنی و عینی به ترتیب ۲/۳۱ و ۲/۱۳ بوده است و مقدار sig به‌دست آمده در سطح آلفا ۰/۰۵، برابر با ۰/۰۰۷ می‌باشد (جدول ۸). بنابراین فرضیه H_0 رد می‌شود و می توان ادعا نمود که بر اساس نظرات پرسش‌شوندگان، بین شاخص‌های عینی و ذهنی در سنجش و ارزیابی محرومیت تفاوت معناداری وجود دارد که با توجه به میانگین به‌دست آمده از آزمون، میزان اهمیت شاخص‌های ذهنی بیشتر از شاخص‌های عینی می‌باشد.

جدول شماره (۸): میانگین شاخص‌های عینی و ذهنی بر اساس آزمون t

نماگرها	N	Mean	Std. Deviation	Std. Err	sig
ذهنی	14	2.3163	.16924	.04523	.007
عینی	28	2.1395	.22361	.04226	

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

فرضیه اول با استفاده از آزمون یومن -ویتنی نیز بررسی شد. بر اساس نتایج این آزمون، میانگین شاخص-های عینی برابر با ۱۴/۸۲ و میانگین شاخص‌های ذهنی معادل ۲۴/۸۴ است. مقدار sig به‌دست آمده نیز برابر با ۰/۰۱۳ است که کمتر از سطح آلفا ۰/۰۵ می باشد(جدول شماره۹). از این رو، می‌توان پذیرفت که از نظر پاسخ‌دهندگان بین شاخص‌های عینی و ذهنی به لحاظ میزان اهمیت تفاوت معناداری وجود دارد و اهمیت شاخص‌های ذهنی بیشتر از شاخص‌های عینی می‌باشد. این در حالی است که با وجود تأکید محققان بر استفاده توأمان دو دسته شاخص‌های ذهنی و عینی، در اکثر مطالعات انجام شده در زمینه سنجش و ارزیابی محرومیت، تنها شاخص‌های عینی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج تحلیل آماری فرضیه اول را این گونه می‌توان تحلیل کرد که از دیدگاه صاحب‌نظران، شاخص‌های ذهنی در سنجش و ارزیابی محرومیت اهمیت بیشتری نسبت به شاخص‌های عینی دارد و شاخص‌های عینی به تنهایی جهت سنجش محرومیت کافی نیست؛ بنابراین با ترکیبی از شاخص‌های عینی و ذهنی بهتر می‌توان محرومیت را در سطح مناطق روستایی سنجید.

جدول شماره (۹): میانگین شاخص های عینی و ذهنی بر اساس نتیجه آزمون یومن -ویتنی

نماگرها	N	Mean Rank	Sum of Ranks	sig
عینی	14	14.82	207.50	.013
ذهنی	28	24.84	695.50	
کل	42			

برای آزمون فرضیه دوم ، با توجه به نماگرها و متغیرهای مورد مطالعه از آزمون‌های کای اسکوئر (k^2) و تحلیل واریانس (F فیشر) استفاده شده است. تحلیل وضعیت تفاوت بین روستاهای جامعه نمونه به لحاظ میزان محرومیت، در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به نتایج جداول ۱۰، ۱۱ و ۱۲ منتهی شده است. نتایج تحلیل آماری آزمون‌ها نشان می‌دهد که سطح معناداری در حدود ۷۲ ٪ نماگرهای مذکور ،کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ است که به معنی رد فرضیه H_0 و نشان دهنده معناداری تفاوت بین روستاهای نمونه به لحاظ میزان محرومیت در این نماگرها می‌باشد. بدین ترتیب می توان ادعا کرد که بر اساس نظرات پاسخ‌گویان و داده‌های آماری بین روستاهای نمونه از نظر میزان محرومیت تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین ضروری است تا به رتبه‌بندی و پهنه‌بندی روستاها به لحاظ میزان محرومیت پرداخت.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۱۰): نتایج تحلیل تفاوت بین روستاهای نمونه از بعد اقتصادی

ابعاد	شاخص‌ها	نماگرها	مقدار sig
اقتصادی	درآمد و مالکیت ها	سرانه درآمد	۰/۱۳۲
		سرانه پس انداز	۰/۰۴۶
		سرانه بدهکاری	۰/۱۸۱
		میزان قابلیت دسترسی به وسیله نقلیه شخصی	۰/۰۰
		میزان قابلیت دسترسی به وسایل مصرفی	۰/۰۰
		بارتکفل	۰/۰۰
	هزینه ها	سرانه مصرف گوشت سفید	۰/۰۰
		سرانه مصرفی گوشت قرمز (ماه گذشته)	۰/۰۰
		سرانه خرید لباس (درطی سال گذشته) ریال	۰/۰۱۲
		سرانه هزینه برای مسافرت در طی سال گذشته	۰/۵۱۶
		سرانه خرید میوه	۰/۷۲۰
		سرانه هزینه برق مصرفی	۰/۰۴۱
		سرانه هزینه آب مصرفی	۰/۰۰۱
		سرانه هزینه تلفن	۰/۰۹۲
		سرانه هزینه تلفن همراه اول	۰/۴۶۹
		سرانه هزینه های درمانی در طول سال	۰/۰۸
		سطح رضایت از درآمد و هزینه ها	۰/۰۴
	اشتغال	احساس امنیت شغلی	۰/۰۶
		میزان رضایت شغلی	۰/۰۰
		نرخ بیکاری	۰/۰۰

جدول شماره (۱۱): نتایج تحلیل تفاوت بین روستاهای نمونه از بعد اجتماعی

ابعاد	شاخص ها	نما گرها	مقدار sig
اجتماعی	فعالیت‌ها و امور اجتماعی	میزان مشارکت	۰/۰۰
		کیفیت مشارکت	۰/۰۰
		کیفیت روابط	۰/۰۰۸
		میزان روابط	۰/۱۰۳
	اوقات فراغت	کیفیت اوقات فراغت	۰/۰۰
	بهداشت و درمان	سطح کیفیت بهداشت و درمان	۰/۰۰
		درصد بیمه شدگان	۰/۰۲۴
		متوسط دسترسی به مراکز درمانی	۰/۰۰
	آموزش و پرورش	کیفیت آموزش	۰/۰۰
		متوسط فاصله دسترسی به دبستان	۰/۲۴۲
		متوسط فاصله دسترسی به مدرسه راهنمایی	۰/۰۰
		متوسط فاصله دسترسی به دبیرستان	۰/۰۰
		درصد باسوادی	۰/۰۰
	احساس محرومیت و احساس خوشبختی	میزان احساس محرومیت	۰/۵۳۳
		میزان احساس خوشبختی	۰/۰۰۱

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۱۲): نتایج تحلیل تفاوت بین روستاهای نمونه از بعد کالبدی و محیطی

ابعاد	شاخص ها	نماگرها	مقدار sig
کالبدی/محیطی	مسکن	کیفیت مسکن	۰/۰۰
		سطح رضایت از مسکن	۰/۰۰
		نوع مسکن	۰/۰۰۲
		درصد مالکیت واحد مسکونی	۰/۰۰۱
		متوسط تعداد اتاق برای هر خانوار	۰/۰۰۱
		تراکم خانوار در واحد مسکونی	۰/۱۲۱
		متوسط بعد خانوار	۰/۰۰۵
		دوام واحد مسکونی	۰/۰۰
		قابلیت دسترسی به خدمات در واحد مسکونی (شاخص مرکزیت)	۰/۰۰
	محیط زیست مطلوب	کیفیت محیط زیست	۰/۰۰
	زیرساخت‌ها و تأسیسات	شاخص مرکزیت امکانات و خدمات	۰/۰۰
		سطح رضایت از امکانات و خدمات	۰/۰۰

مسلماً شاخص‌ها و نماگرهای مطرح شده در میزان محرومیت روستاها تأثیر یکسانی ندارند، بلکه برخی از شاخص‌ها از وزن و اهمیت بیشتر و برخی از وزن کمتری برخوردارند. با توجه به نتایج آزمون‌ها مبنی بر تفاوت بین دو گروه شاخص‌های عینی و ذهنی و نیز به منظور رتبه‌بندی روستاها از نظر میزان محرومیت، وزن هر کدام از نماگرها با استفاده از روش جمع رتبه‌ای، مشخص گردید که به شرح جدول ۱۳ بوده است. بر اساس اطلاعات جدول مزبور، حدود ۷۸ درصد از نماگرهای ذهنی در ردیف ۵۰ درصد شاخص‌های اول هستند که وزن بالایی دارد، در حالی که این نسبت در شاخص‌های عینی برابر با ۴۱ درصد می‌باشد. با توجه به اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران ۲۱ نماگر اول (۵۰٪ نماگرها) که دارای وزن بیشتری هستند، جهت رتبه‌بندی روستاهای نمونه از طریق روش تاپسیس انتخاب گردید.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۱۳): وزن نماگرها

ردیف	نماگرها	وزن	ردیف	نماگرها	وزن
۱	درصد با سوادی	۰/۰۴۷	۲۲	دوام واحد مسکونی	۰/۰۲۲
۲	سطح رضایت از هزینه ها و درآمد	۰/۰۴۵	۲۳	مالکیت وسایل نقلیه شخصی	۰/۰۲۲
۳	احساس محرومیت	۰/۰۴۵	۲۴	سرانه بدهی	۰/۰۲۲
۴	کیفیت امکانات بهداشت و درمان	۰/۰۴۲	۲۵	نوع مالکیت مسکن	۰/۰۲۲
۵	سرانه درآمد	۰/۰۴۲	۲۶	بار تکفل	۰/۰۱۸
۶	درصد خانوارهای تحت پوشش بیمه	۰/۰۴۲	۲۷	متوسط فاصله تا مراکز آموزشی (دبستان و...)	۰/۰۱۸
۷	کیفیت آموزش	۰/۰۳۹	۲۸	سرانه مصرف میوه	۰/۰۱۷
۸	نرخ بیکاری	۰/۰۳۹	۲۹	سطح رضایت از امکانات تفریحی و فراغتی	۰/۰۱۵
۹	میزان احساس خوشبختی	۰/۰۳۸	۳۰	میزان مشارکت	۰/۰۱۵
۱۰	متوسط فاصله دسترسی تا مرکز درمانی	۰/۰۳۷	۳۱	سرانه مصرف گوشت سفید و قرمز	۰/۰۱۳
۱۱	احساس امنیت شغلی	۰/۰۳۵	۳۲	سرانه هزینه های درمانی	۰/۰۱۲
۱۲	کیفیت محیط زیست	۰/۰۳۴	۳۳	میزان روابط اجتماعی	۰/۰۱۲
۱۳	میزان رضایت شغلی	۰/۰۳۳	۳۴	سرانه هزینه مسافرت	۰/۰۰۹
۱۴	سطح رضایت از امکانات و خدمات عمومی	۰/۰۳۱	۳۵	متوسط تعداد اتاق برای هر خانوار	۰/۰۰۹
۱۵	متوسط دسترسی به خدمات در واحد مسکونی	۰/۰۳۱	۳۶	کیفیت روابط اجتماعی	۰/۰۰۷
۱۶	سطح رضایت از مسکن	۰/۰۳۱	۳۷	متوسط سطح زیربنای واحد مسکونی	۰/۰۰۷
۱۷	سرانه پس انداز	۰/۰۲۸	۳۸	سرانه هزینه های جاری آب، برق و...	۰/۰۰۵
۱۸	شاخص مرکزیت خدمات	۰/۰۲۸	۳۹	بعد خانوار	۰/۰۰۵
۱۹	کیفیت مسکن	۰/۰۲۶	۴۰	قدمت واحد مسکونی	۰/۰۰۳
۲۰	میزان قابلیت دسترسی به لوازم و امکانات مصرفی	۰/۰۲۶	۴۱	تراکم خانوار در واحد مسکونی	۰/۰۰۲
۲۱	کیفیت مشارکت	۰/۰۲۴	۴۲	سرانه خرید لباس	۰/۰۰۱

از آنجا که هدف تحقیق حاضر سنجش محرومیت چند وجهی در روستاهای نمونه است؛ بنابراین با توجه به نماگرهای انتخاب شده در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و دو دسته شاخص‌های عینی و ذهنی، با استفاده از روش تاپسیس به رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ میزان محرومیت پرداخته شد؛ بدین ترتیب پس از انجام مراحل تکنیک رتبه‌بندی تاپسیس، بر اساس مقدار(c^*) به‌دست آمده از این روش، روستاها به لحاظ میزان محرومیت رتبه‌بندی گردید که نتایج در جدول ۱۴ نشان داده شده است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

جدول شماره (۱۴): مقدار (c^*) به‌دست آمده برای روستاهای نمونه با روش تاپسیس

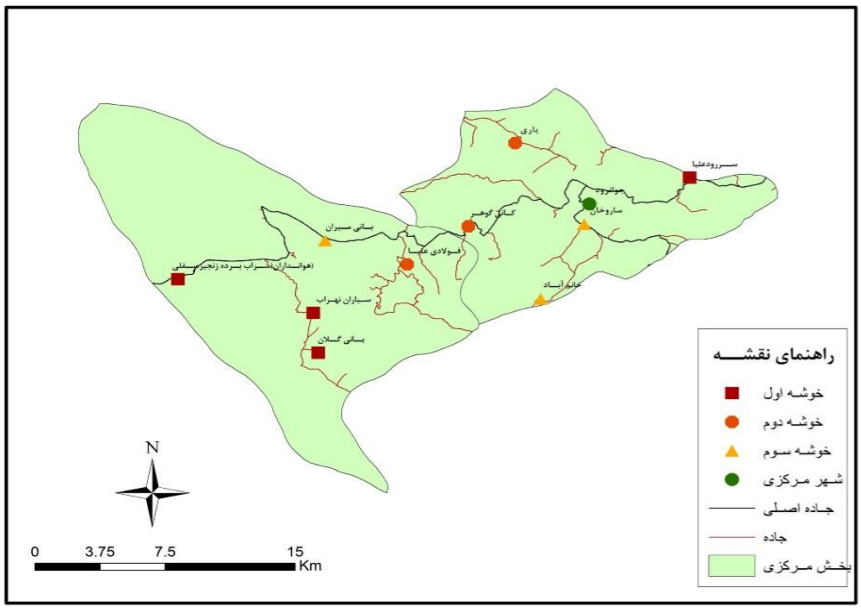
روستاهای نمونه	مقدار (c^*)	رتبه
خانم‌آباد	۰/۵۹۲۲	۱
بانی میران	۰/۵۸۶۱	۲
ساروخان	۰/۵۶۷۸	۳
سررود علیا	۰/۵۲۹۹	۴
بانی‌گلان	۰/۴۹۵۳	۵
سراب برده زنجیر	۰/۴۸۶۲	۶
سیاران نهراب	۰/۴۴۲۶	۷
یاری	۰/۳۸۵۰	۸
کانی‌گوهر	۰/۳۸۳۴	۹
فولادی علیا	۰/۳۴۰۰	۱۰

بر اساس روش تاپسیس میزان c_i^* بین $0 \leq c_i^* \leq 1$ در نوسان است. در این راستا $c_i^* = 1$ نشان دهنده بالاترین رتبه و $c_i^* = 0$ نیز نشان دهنده پایین‌ترین رتبه است. از این رو هر چه مقدار c^* به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده وضعیت بهتر روستاها می‌باشد (قادر مرزی و همکاران،۱۳۹۰: ۱۰۶). بدین ترتیب روستای خانم-آباد به لحاظ شاخص‌ها و نماگرهای بکار گرفته شده، برخوردارترین و روستای فولادی علیا محروم‌ترین روستا در بین روستاهای نمونه می‌باشد.

با طبقه‌بندی روستاها در خوشه و طبقات همگن، این امکان فراهم می‌شود تا برای روستاهای با وضعیت مشابه برنامه‌ریزی کرد و در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای اقدام نمود. از این رو، با توجه به مقادیر c^* به‌دست آمده برای هر روستا، با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای روستاهای مورد مطالعه در سه خوشه طبقه-بندی گردید. بدین منظور از تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی (روش وارد [1]) استفاده شد که نتایج خوشه‌بندی-ها به شرح شکل شماره ۳ بوده است. بدین ترتیب روستاهای سراب برده زنجیر، سیاران نهراب، بانی گلان و سررود علیا در خوشه یک، روستاهای فولادی علیا، کانی گوهر و یاری در خوشه دوم و روستاهای خانم آباد، بانی میران و ساروخان در خوشه سوم قرار گرفتند.

[1] wards method

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]



شکل شماره (۳): طبقه‌بندی روستاهای نمونه بر اساس میزان محرومیت

۵) نتیجه‌گیری

در بسیاری از تحقیقات توسعه روستایی و شهری، سطح توسعه و پیشرفت زندگی، کیفیت زندگی و هویت عمدتاً با روش‌های کمی سنجیده می‌شود. علت استفاده از روش‌های کمی این است که شهروندان در پاسخ به شرایط زندگی‌شان نقش فعال پیدا نمی‌کنند و در واقع در تحقیقات درگیر نمی‌شوند. تاکنون در مطالعات روستایی، استفاده از روش‌های پوزیتیویستی در انجام پژوهش بیشتر رایج بوده است. اگرچه گفته می‌شود پوزیتیویسم تسلط خود را روی این علم کاهش داده است، اما به دلیل برخی مزایای نسبی آن، هنوز هم محققان آماری از این پایگاه مسلط لذت می‌برند؛ امروزه تغییرات و چرخش در روش‌شناسی آشکار شده است. با چنین تغییراتی مقیدهای مرتبط با داده‌های عددی زیر سؤال رفته است. باید گفت در راستای این واقعیت که زندگی مردم و کیفیت آن دو بعد ذهنی (هنجاری) و عینی (اثباتی) دارد، بایستی در روش‌شناسی تحقیق، با انتخاب روش‌های اثباتی و هنجاری و همچنین شاخص‌های ذهنی و عینی، به کشف راستین واقعیت‌های حاکم بر زندگی مردم نائل آمد. از این رو، در سال‌های اخیر محققان مسائل جامعه انسانی، شروع به پذیرش ابزارهای روش شناختی متفاوت کرده‌اند. از جمله این‌ها می‌توان حوزه‌های هنجاری به‌ویژه ادراک محیطی را نام برد. به سخن دیگر، امروزه اهمیت تحقیق ذهنی در برنامه‌های تحقیق و توسعه به منظور ادراک همه‌جانبه واقعیت‌های زندگی مردم، حیاتی شده است؛ چرا که روش‌شناسی تحقیق متعارف روی واقعیت‌های عینی و تحلیل و تفسیر آن‌ها تأکید دارد، در صورتی که روش‌های ترکیبی قادرند الگوهای ادراکی مردم در مورد

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

مسائل زندگی‌شان که دیدهای مشابه مردم را نشان می‌دهند، کشف و تحلیل نماید (فتاحی و همکاران،۱۳۹۱: ۴۸-۵۱). همچنین سطح توسعه یافتگی با رویکرد پایداری در ابعاد سه گانه محیطی، اقتصادی و اجتماعی و با شاخص‌ها و نماگرهای عینی و ذهنی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا، به نظر می‌رسد شاخص‌های ذهنی وزن بیشتری را در سنجش سطح توسعه یافتگی به خود اختصاص می دهد. از آنجا که افزایش سطح برخورداری مقدمه حصول به توسعه است؛ بنابراین به نظر می‌رسد جهت سنجش میزان محرومیت مناطق برای رسیدن به توسعه پایدار به عنوان هدف غایی برنامه‌ریزی بکار بردن هر دو شاخص‌های عینی و ذهنی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین مسلم این است که تمامی مطالعات محرومیت باید تحت دو سر فصل شاخص‌های عینی و ذهنی صورت گیرد؛ چرا که جامعه‌ای ممکن است از لحاظ امکانات و شاخص‌های عینی محروم نباشد، اما از نظر ذهنی خود را محروم تلقی کنند.

شاخص‌های ذهنی بیشتر بر نگرش‌ها و شاخص‌های عینی بیشتر بر واقعیت‌ها تأکید دارد. نظر به اینکه محرومیت به شدت متأثر از زمان و مکان است و مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل دهنده آن با توجه به دوره زمانی و مکان جغرافیایی فرق خواهند کرد، در عمل برای ارزیابی محرومیت، هدف نهایی ایجاد ابزاری مانند پرسشنامه می‌باشد که بتواند وزن یک مشخصه یا گروهی از اشخاص را در مکان و زمان ویژه‌ای به‌دست بیاورد. در سنجش شاخص‌های ذهنی از پرسشنامه و برای سنجش شاخص‌های عینی معمولاً از داده‌های آماری استفاده می‌شود.

با چنین رویکردی، تحقیق حاضر با هدف سنجش و ارزیابی محرومیت در نواحی روستایی از دیدگاه جامعه نمونه (سرپرست خانوار) و نیز تعیین میزان اهمیت شاخص‌های عینی و ذهنی در سنجش و ارزیابی محرومیت از دیدگاه صاحب‌نظران، صورت گرفته است. بدین منظور شاخص‌ها و نماگرها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی و در قالب دو دسته شاخص‌های عینی و ذهنی طراحی و مورد آزمون قرار گرفت که از نتایج به‌دست آمده می‌توان استنباط کرد که بین میزان اهمیت شاخص‌های عینی و ذهنی تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین از دیدگاه صاحب‌نظران میزان اهمیت شاخص‌های ذهنی در سنجش و ارزیابی محرومیت بیش از شاخص‌های عینی است. نتایج به‌دست آمده در واقع مؤید اهمیت شاخص‌های ذهنی در کنار شاخص-های عینی است و ترکیبی از هر دو آن‌ها در سنجش و ارزیابی محرومیت مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین بر اساس داده‌های جمع آوری شده در قالب شاخص‌ها و نماگرها و بر اساس تکنیک تاپسیس و تحلیل خوشه‌ای، نتایج مطالعات نشان داد که سطوح برخورداری نقاط روستایی مورد مطالعه با یکدیگر دارای تفاوت معناداری است. به‌طوری که بر اساس گروه‌بندی مدل تحلیل خوشه‌ای، روستاهای سراب برده زنجیر، سیاران نهراب، بانی گلان و سررود علیا در خوشه یک، روستاهای فولادی علیا، کانی گوهر و یاری در خوشه

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

دوم و روستاهای خانم آباد، بانی میران و ساروخان در خوشه سوم قرار دارد. نظر به اینکه در فرآیند توسعه روستایی هر چند ارتقاء کلی همه نواحی روستایی مهم است، ولی توجه به نواحی روستایی محروم و کمتر برخوردار در راستای تأمین نیازهای اساسی آن‌ها و همچنین تعدیل تفاوت‌ها در سطوح برخورداری آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین برای دستیابی به مقصود (توسعه پایدار) با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه مشکلات و کمبودهای موجود و اولویت‌بندی و پهنه‌بندی انجام شده در روستاهای مورد مطالعه، تلاش در جهت کاهش کمبودها و نابرابری‌ها در محدوده مورد مطالعه ضروری است. براساس یافته-های نظری و تجربی تحقیق، به منظور بهبود مطالعات و اقدامات در زمینه محرومیت و محرومیت‌زدایی پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- محرومیت مفهومی نسبی و به شدت متأثر از زمان و مکان است و بر پایه هنجارها و استانداردهای پذیرفته شده در هر جامعه سنجیده می‌شود، از سوی دیگر نیاز به تعریفی کاربردی وجود دارد تا بر اساس آن در جهت شناسایی مناطق محروم گام برداشت، به نظر می‌رسد که در شناسایی مناطق محروم و محرومیت زدایی، تشخیص و تعیین محرومیت در محدوده فضاهای همگن جغرافیایی ضروری است تا بتوان با توجه به ویژگی‌های منطقه، محرومیت را برای آن تعریف و با توجه به آن، معیار شناسایی و تمیز مناطق محروم و برخوردار را مشخص و در جهت شناسایی نقاط محروم گام برداشت؛
- محرومیت و محرومیت‌زدایی، پدیده‌های منتزع از پیرامون و عوامل مرتبط با خود نیستند، در طرح این گونه مسائل باید همهجانبه و نه تک بعدی و با دید بلند مدت و پایدار و نه گذرا و موقت نگریسته شود. بنابراین مفهومی چندوجهی است که در شناسایی آن باید همه ابعاد و شاخص‌ها (ذهنی و عینی) به طور توأمان استفاده شود؛
- با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر اهمیت شاخص‌های ذهنی در سنجش و ارزیابی محرومیت پیشنهاد می-شود نهادهای متولی چنین شاخص‌هایی را درشناسایی مناطق محروم اعمال کنند؛
- شاخص‌ها و نماگرهایی که از وزن و اهمیت بیشتری برخوردارند، در اولویت محرومیت‌زدایی‌ها قرار گیرند؛
- در شناسایی نقاط محروم روستایی با توجه به ماهیت روستا و محرومیت روستایی، هر دو رویکرد خانواده و منطقه محور به طور توأمان توصیه می‌گردد.

۶) منابع

- Abu-Kharmeh,S., Abu-Al Sondos, J.,(2009). **Socio-Economic Deprivation Indices (Case Study: Jordan**); American Journal of Scientific Research, Issue 2 , pp.37-51.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

- Asalforosh Rezaeyeh, Reza, (1996), **Review and adapt to the needs of rural deprivation Ghayenat city**, master's thesis, Ferdosi University. (in Persian)
- Bailey, N., et al.,(2003).**Measuring deprivation in Scotland: developing a long-term strategy. Interim report**, Scottish center for research on social justice.
- Behzadnasab, JanAli.(2007),**An Introduction to Dictionary of Rural Development Culture**, Publisher: Ghalamestan_e_ Honar. (in Persian)
- Bryden, j., de Lima, p., Shucksmith, m., (2005). **Policy Brief: Indicators used for Rural and Urban Poverty in Policy Processes**. UHI Policy Web, pp1-10.
- Consulting Engineers (tadbir shahr). (2010), **Development Plan (Comprehensive) Javanrood city: the first stage**, the Department of Housing and Urban Development, Housing and Urban Development of Kermanshah province. (in Persian)
- Coombes, et al., (1995) "**Towards an Index of Deprivation: A Review of Alternative Approaches"** Part 1 in Department of the Environment, UK ,cit.
- Fattahi, Ahadolla, Khorasani, M, Paydar, A, (2012), Quality of life and human development, Tehran: Entekhab. (in Persian)
- Fattahi, Ahadolla.(2010), **Quality of Life Assessment (QLA) in Rural Areas (Case study: Central part of city Delfan**, M. S. Thesis, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Ghader marzi,H. et al.(2012), **The Analysis of Rural Spatial Imbalances in Kermansh based on Housing Indices using Topsis and Clustering Analysis,** Space Economy & Rural Development journal, Vol. 3, pp.93-114. (in Persian)
- Haase,T., & Walsh, K.,(2007). **Measuring Rural Deprivation, Report to the Rural Development Advisory Committee.**
- Heidari, Ramazan; Farajollahi, M. (2010**), presents a new index for evaluation of urban-rural deprivation** , the city's economy, No. 8, pp.19-33(in Persian)
- Hunt, M.,(2007). **Using Rural Deprivation Data**, community Impact Bucks.
- Ibrahimi Noor Ali, Ali. (1996), determine the degree of development of the rural areas of the lorestan province, MS Thesis, Faculty of Economic Sciences, Ferdosi University. (in Persian)
- karimi. Ayat .(2012), **Geomorphological analysis for Javanroud City sustainability study,** M. S. Thesis, Faculty of Humanities**,** Tarbiat Modares University**.** (in Persian)
- Kolali Moghadam, Zhila.(2000), **Evaluation of social- economic Projects in development of disadvantaged areas in the Torbatejam city**, Master Thesis, Ferdosi University.
- Local Government Data Unit-Wales. (2012). **Getting the Measure of rural deprivation in Wales**. Oxford Consultants for Social Inclusion (OCSI) Ltd.
- Noble, M., et al., (2009**), Small Area Indices of Multiple Deprivation in South Africa**. Social indicators research, 95(2), 281-297.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]

- Pogheh, NM. Azkia, M. Rezvanfar, A. (2001), **socio-economic determinants of poverty in the rural areas of the kalale**, Agricultural Economics and Development, No. 34, pp. 257-280. (in Persian)
- Rural Development Sub-Committee, (2008). **Poverty and Deprivation in Rural Wales**.
- Sadeghi, H. et al.(2014), **The limitations and potentials of sustainable development regarding village of Eastern borders of Iran-Case: Bandan district in Nehbandan County,** Space Economy & Rural Development journal, Vol. 8,pp. 125-143. (in Persian)
- Taghvaee, Masuod, Noroozi Avargani, A, (2010),**Analysis and determine the level of the rural areas of the country using numerical taxonomy and cluster analysis**; Welfare Planning and Social Development, No. 5, PP.91-116. (in Persian)
- Townsend, P. (1987). **Deprivation. Journal of Social Policy**, 16(2), pp.125–145.
- Walsh, k.,(2010). **Rural Poverty and Social Exclusion on the Island of Ireland – Context, Policies and Challenge**s.pobal. government supporting communities
- Welsh Government, (2011). **Welsh Index of Multiple Deprivation 2011**: Summary Report.
- Welsh Government., (2008). **Welsh Index of Multiple Deprivation 2008**: Summary Repor.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-10]